

جایگاه و فلسفه استعاذه از دیدگاه قرآن و حدیث

مجید معارف^۱

الهه سلیمانیه نائینی^۲

چکیده

خدای متعال که ذات بی‌نیاز و غنی است، شایسته التجاء می‌باشد. واضح است که انسان عاقل در هنگام احتیاج دست به جانب کسی دراز کند که برای رفع نیازش قادر باشد. در آموزه‌های قرآنی خدای متعال به عنوان خالق و آفریدگار بشر، تنها پناهگاه انسان در همه امور و به‌خصوص در مقابله با شیطان معرفی شده است. همه انسان‌ها، حتی پیامبران الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام در معرض اغوای دام‌های شیطان قرار می‌گیرند، که با توجه به آیات قرآن، این بزرگواران نیز به خالق یکتا استعاذه کرده‌اند. برای مصون ماندن از دام‌ها و وسوسه‌های شیطانی، ایمان، توکل و اخلاص به خداوند، از عوامل استعاذه در کلام وحی، نام برده شده است. در شناخت کلی از استعاذه، دانستن اهمیت، آداب، حقیقت، اهداف، ارکان و اقسام آن ضروری می‌باشد، و توجه به این امور، در تحقق کمال آن، کمک فراوانی می‌کند. از جمله شروط اصلی در احادیث استعاذه، ذکر زبانی همراه با توجه و معرفت قلبی به مبدأ هستی است.

کلیدواژه‌ها: استعاذه، شیطان، ابلیس، پناه بردن.

(۱) استاد دانشگاه تهران.

(۲) کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول).



۱- مقدمه و طرح مسئله

انسان، همیشه با افکار درونی و وسوسه‌های شیطانی در زندگی روزمره محاصره شده است. به تعبیر روایات، شیطان مثل خون در بدن انسان‌ها جاری است و افکار را به هم می‌ریزد و بر قلب آدمی اثر می‌گذارد. اگر انسان راهی به سوی خدای متعال نیابد و به بیراهه گام بردارد، خود را تباه و راه هدایت را گم می‌کند. طبق آیات و روایات شیطان از جن است (الکهف: ۵۰) نه از ملائکه و ماهیت او از آتش است و ریشه دشمنی ابلیس با آدم، تکبر اوست که از سجده کردن بر آدم اِبا کرد و بعد از این کار از درگاه حق رانده شده و ملعون گشت و احاطه‌اش تنها در عالم خلق و دنیاست. مهارت‌های شیطان طبق آیات قرآن؛ اغوای انسان، زینت‌گری و صحنه‌پردازی بدی‌ها و نیکو جلوه‌دادن و آن که امکانات دنیا را آرایش می‌دهد تا انسان‌ها به دنیا وابسته شده و دیگر نتوانند از آن دل بکنند. انسان باید با این دشمن دیرینه و حيله‌گر که کمر همت بسته تا آدمی را با وسوسه‌های خود، به وادی گمراهی بکشاند، مقابله کند. دشمنی که دیده نمی‌شود اما می‌بیند و به غارت هستی انسان مشغول است. باید برای نجات و رستگاری خود به جهاد با او برخاست و این امر حاصل نمی‌شود مگر خود را به سلاح الهی مسلح کنیم که این سلاح، چیزی جز اطاعت و بندگی پروردگار نیست. اگر «استعاذه» را امری معنوی بدانیم، هنگام گفتن «اعوذ بالله» باید قلب و عمل هم، به خدا پناهنده شود و اگر انسان در برابر هجوم شیطان، صادقانه به خدا پناه برد، بی‌درنگ شیطان از او دور می‌شود، زیرا خداوند به ندای بندگانش خبیر و برای پناه دادن و دفع شرّ تواناست.

۲- تعریف استعاذه

«استعاذه» مصدر از ریشه (عوذ)، باب استفعال است و به معنای؛ پناه بردن و اعتصام (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴/۶۶۴)، التجاء به غیر و پیوسته شدن به او (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۳/۳۱۸) و پناهگاه و پناهندگی (جرّ، ۱۳۸۲: ۲/۱۵۰۰) می‌باشد.

«عاذ فلان بفلان؛ او از غیر، به فلانی پناه می‌برد»؛ یعنی به خدا ملتجی می‌شود و به او پناه می‌برد و از او یاری می‌خواهد که آن کار را انجام دهد و از انجام آن بدی و زشتی دوری می‌جوید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۹۵). بعضی گفته‌اند: «عوذ بفلان من کذا»؛ از ترس چیزی به فلانی پناه برد و پناهنده شد (مهیار، ۱۳۷۰: ۶۰). این واژه پیشینه‌ای کهن در زبان‌های سامی داشته است، چنان‌که در زبان عبری باستان در معنی پناه گرفتن بوده است. از مهم‌ترین الفاظ در بحث استعاذه، واژه اعوذ می‌باشد که مصدر از عوذ و متکلم وحده است. این واژه در معنای حفظ کردن خویش و پرهیز دادن از شرّ و پناه بردن به کسی که می‌تواند آن را دفع کند آمده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۳۹۲/۲۰). همچنین در طلب پناه و احتراز جستن به وسیله خدا از شرّ شیطان را می‌توان از دیگر معانی استعاذه دانست (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۴۳/۱۲). بنابراین استعاذه عبارت است از گریز از شیطان و دعا به درگاه خداوند که انسان را از گرفتار شدن در چنگال او و صدمه دیدن از نیرنگ‌هایش نجات می‌بخشد، زیرا شیطان، عامل هر گناه و منشأ هر نوع گمراهی است (شرقاوی، ۱۳۳۳: ۴۵۸).

معنای اصطلاحی این واژه در معنی وسیع آن، برخاسته از یک امر غریزی است، زیرا انسان‌ها هنگام رویارویی با خطرهای می‌کوشند تا با پناه جستن به یک قدرت برتر به آرامش و اطمینان دست یابند. در فرهنگ اسلامی، استعاذه دعایی است که به وسیله آن، انسان برای دفع شرور، خود را در حصن و پناه خدای متعال قرار می‌دهد و اصل این واژه، تعبیری است قرآنی در معنی پناه بردن به خدا از هر شرّ، بدی و وسوسه‌های شیطانی که شامل پناه‌بردن به شیء، شخص و مکان است (بادکوبه هزاوه، ۱۳۷۷: ۱۹۵/۸). برخی در معنای آن گفته‌اند: یک مقام پائین‌تر از مقام بالاتر با اظهار خضوع و مذلتّ بخواهد که در برابر دشمن، او را پناه دهد و از او دفاع کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۸/۱۴). استعاذه گریز از تصرفات شیطانی و نیز دعا و درخواست از درگاه خدای متعال است که در قالب الفاظ مختلفی چون لوذ (النور: ۶۳)، لجأ (مقرئ الفوی، ۱۴۱۴ق: ۵۵)، غوث (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۶۰/۲)، اوی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۰۴)، عصم (قرشی، ۱۳۷۱: ۸/۵)، جأر



(طریحی، ۱۳۷۵: ۲۳۹/۳)، موئل (مهیاری، ۱۳۷۰: ۸۸۰)، ملتحّد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳/۳۸۹) و تعویذ (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۹/۲) استعمال شده است که در همه این الفاظ معنای پناه‌بردن به پروردگار متعال، ملحوظ است.

و اما «تعویذ»؛ هر گونه طلسم، دعا، افسون، ورد و نذر قربانی و مانند آن را گویند (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۴۶۸). اذکار خاصّ برای دفع چشم زخم، سحر، آفات و بلاها و برطرف کردن دردها و بیماری‌ها را نیز می‌توان اضافه کرد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴: ۵۴۴/۲). «تعاوید یا معاذات» هم به چیزی می‌گویند که نوشته می‌شود و آن را برای چشم زخم بر گردن انسان آویزان می‌کنند که البته از آویزان کردن آن نهی شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳/۴۹۹). «عوذ» به معنی حرز و آن چیزی است که به وسیله آن از امری پناه می‌گیرند و دعا و طلسمی است که به صورت مهره‌ای برای دفع چشم، به گردن اطفال آویزان می‌کنند. همچنین، به دعای دفع ترس و جنون نیز گویند و «معاذه» هم به این معنا می‌باشد.

عرب پیش از اسلام، برای رهایی از ناگواری‌ها و شرور، تعویذهای گوناگونی از جمله: رقیه (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳/۴۹۹)، تمیمه (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۶۴)، نشره (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۰۶)، حرز (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۱۱۶)، نفره (انیس، ۱۳۸۴: ۲/۲۰۰۶) را به کار می‌بردند. آنها از ساحران و کاهنانی که مدعی رابطه با موجودات غیبی (جن و شیطان) و نیز مدعیانی که آگاه از رازهای نهفته بودند، یاری می‌خواستند و یا با واسطه آنان به آن موجودات، توسّل می‌جستند (بادکوبه هزاره، ۱۳۷۷: ۱۹۵/۸). ولیکن بعد از نزول قرآن و بر پایه روایات تعویذ به قرآن و ادعیه و اسماء الهی که معنی آنها مفهوم باشد، سفارش شده است (طوسی، التهذیب، ۱۴۱۱ق: ۳/۱۸۵). سوره‌های حمد، معوذتین، آیه الکرسی، قدر و آیات پایانی سوره آل عمران (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۸/۱۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۵۶ و ۳۴۲/۸۹) و مهم‌تر و رایج‌تر از همه تمام قرآن است که با خط ریز مرقوم است و بزرگسالان، کودکان را به آن تعویذ می‌کنند و تعویذهای قرآنی برای دفع چشم زخم یا

محفوظ بودن از بلاها به صورت کتبی یا شفاهی ذکر شده است. در کتب ادعیه و اذکار، برای دفع بیماری‌ها و آفات و شرور و مانند آن دعاها و نوشته‌های رمزدار مرقوم است که لزوماً در آن الفاظ استعاذه استفاده نشده است (معینی، ۱۳۷۷: ۶۳۱/۱-۶۳۲). از رسول اکرم (ص) درباره تلاوت معوذتین (فلق و ناس) به‌عنوان بهترین تعویذ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۲/۴۳) و جانشین انواع تعاویذ نادرست عصر جاهلی، روایات فراوانی موجود است و حضرت بارها حسنین علیهما السلام را به این دو سوره تعویذ می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۶/۱۰). در این باره دو نکته قابل ذکر است: اولاً تعویذ به غیر آیات قرآن و دعاهایی که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده حرام و باطل است و در روایت آمده است که تعویذ به قرآن و اسماء الهی که معنی آنها مفهوم است مانعی ندارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵/۹۲). ثانیاً، هنگام خواندن و نوشتن و برگرفتن تعویذ، لازم است خلوص نیت کاملاً رعایت شود و باید توجه داشت که تأثیر هر دعا و دوائی به خواست خداوند و تقدیر او بستگی دارد، که او بر هر کاری تواناست.

به‌طور کلی تعویذها بر دو قسم است: تعویذهای شفاهی؛ عوذهای ایام هفته است که برای هر یک از روزهای هفته دعای خاصی به این عنوان روایت کرده‌اند؛ و عوذهایی که در تعقیب نمازهای واجب آمده است (عاملی کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۹۸). تعویذهای کتبی؛ براساس روایات، عوذهای نوشته شده و در مواقع مختلف آویزان می‌شوند.

۳- استعاذه در قرآن کریم

واژه استعاذه در اصل تعبیری است قرآنی در معنی پناه بردن به خدا از هر شرّ، بدی و وسوسه‌های شیطانی است. خداوند به عنوان تنها پناهگاه است (مغنیه، ۱۳۸۳: ۹۶/۱). در قرآن کریم، هفده مرتبه مشتقات واژه (عوذ) به کار رفته است که بیشتر به صیغه ثلاثی مجرد است مانند: عذتُ، اعوذ، یعوذون، معاذ. همچنین ثلاثی مزید این واژه هم در قالب باب‌های افعال (اعیذها) و استفعال و در صیغه امر (استعذ) ملحوظ است. قرآن یک‌بار



آدمی را از پناه جستن از جنّ نکوهش کرده است و در دیگر موارد خداوند را تنها ملجأ و مأوا معرفی کرده است. دو سوره پایانی قرآن که با خطاب به پیامبر اکرم (ص) آغاز شده است، جامع‌ترین بیان درباره استعاذه است، به گونه‌ای که آیات دیگر استعاذه را می‌توان شرحی از مفاهیم و مصادیق این دو سوره تلقی کرد و مشتقات استعاذه علاوه بر سوره مبارکه ناس و فلق در پانزده مورد دیگر ذکر شده است (اظه‌ری، ۱۳۶۷: ۲۱/۲۲۹). مفسران بر حسب کاربرد این واژه و مشتقات آن تعبیر چندی را در توضیح آن ذکر کرده‌اند:

* اعتصام به خدا برای طلب نجات و پناه بردن به خدا و توجّه به او؛

* خود را در حیازت چیزی برای حفظ از بدی قرار دادن؛

* خضوع برای خدا جهت کسب توفیق و عدم رها شدن به حال خود (طبرسی،

۱۳۷۲: ۵/۲۸۶)؛

* اتصال به حضرت حقّ برای در امان ماندن از شرّ هر شروری (ابن کثیر

دمشقی، ۱۴۱۹ق: ۱/۲۹)؛

* درخواست دفع شرّ به وسیله شخص پایین‌تر از بالاتر با خضوع و فروتنی (طبرسی،

۱۳۷۲: ۶/۵۹۳)؛

* حرز گرفتن (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۷/۴۶۵)؛

* استعاذه لطفی که مانع تأثیر وسوسه‌های شیطان می‌شود (مرادی، ۱۳۸۲: ۳/۹۷).

در بینش قرآنی، استعاذه به غیر خدا جایز نیست و اما دستور به پناه‌جویی به کُهِف و غار (الکُهِف: ۱۰، ۱۶) که در آیات قرآن آمده است به معنای پناه‌جویی به کسی و یا چیزی در معنای واقعی آن نیست، بلکه در طول پناه‌جویی است و به عنوان ابزار است. انسان، به‌طور طبیعی برای دفع شرّ از خود به کسی پناه می‌برد که توانایی دفع آن را داشته باشد و آن کس، یا مربّی و مدبّر انسان است یا صاحب قدرتی که حکمی نافذ دارد، مانند اله یا معبود یا پادشاهی از پادشاهان می‌باشد که هر سه صفت را خدای تعالی داراست. در قرآن استعاذه به خداوند متعال با اوصافی چون ربوبیت (الکُهِف: ۲۷، ۵۸؛ المؤمنون: ۹۷، ۹۸؛

هود: ۴۷؛ الدخان: ۲۰؛ رحمانیت (مریم: ۱۸)؛ الوهیت و... مشهود است.

در سوره ناس خداوند به رسولش سفارش کرده است که با سه صفت به او پناه برد؛ صفت ربوبیت در «رب الناس»؛ صفت مالکیت در «ملك الناس»؛ و صفت الوهیت در «اله الناس». درباره ذکر صفات رب، ملک و اله در سوره ناس گفته شده، انسان به طور طبیعی، آن کس که مربی و مدبر اوست و یا صاحب قدرت و توانایی است و حکمی نافذ دارد برای دفع شر از خود، انتخاب می‌کند. هر سه صفت را خداوند داراست و راز اینکه صفت رب بر آن دو مقدم شده است، نزدیک‌تر بودن مربی به انسان است و ولایت پادشاه اعم از ولایت مربی است و اله ولیی است که انسان از روی اخلاص به او توجه می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۹۶/۲۰). در بیان ذکر استعاذه خدای تعالی رسول خویش را این گونه تعلیم می‌دهد: «فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (النحل: ۹۸). افرادی که غزوه تبوک را ترک کردند، در تنگنای روحی و اجتماعی قرار گرفتند و به خدای متعال پناه بردند: «لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ...» (التوبه: ۱۱۸)؛ مشتقات واژه (عوذ) در آیات قرآن کریم در سه وجه است؛

✱ پناه‌بردن به خدا:

– اَعُوذُ (البقره: ۶۷؛ هود: ۴۷؛ مریم: ۱۸؛ المومنون: ۹۷، ۹۸؛ آیه اول سوره فلق و ناس)؛

– اِسْتَعِذْ (فصلت: ۳۶؛ الاعراف: ۲۰۰؛ النحل: ۹۸؛ غافر: ۵۶)؛

– عُوِذُ (الدخان: ۲۰؛ غافر: ۲۷)؛

– اُعِيذُ (آل عمران: ۳۶)؛

– مَعَاذ (یوسف: ۲۳، ۷۹)؛

✱ پناه‌بردن ممدوح به غیر خدا (الکهف: ۱۶، ۱۰)؛

✱ پناه بردن مذموم به غیر خدا (هود: ۴۳؛ الجن: ۶، طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۵/۱۰)؛

واژگان تذکر (الاعراف: ۲۰۱)، ملجأ (التوبه: ۱۱۸)، ملتحد (الجن: ۲۲)، موئل (الکهف:

۵۸)، توکل (النحل: ۹۹)، تجئرون (النحل: ۵۳) و غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ (الفاتحه: ۷) که



در آیات قرآن وجود دارد از نظر معنایی با پناه بردن تناسب دارد. امام رضا(ع) درباره «غیرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ» در سوره حمد فرموده‌اند: «این ذکر برای استعاذه است» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۱۰۷/۲) و در کتاب «علل الشرایع» آمده است که بنده با ادای این عبارت، پناه بر خدا می‌برد و استعاذه می‌جوید از اینکه در زمره معاندین، کافرین و کسانی که امر و نهی را کوچک می‌شمردند، باشد (ابن بابویه قمی: ۸۲۷/۱).

۴- فواید استعاذه در آیات

با بررسی آیات شریف قرآن، ثمرات و فوایدی برای پناه بردن از شرّ شیطان به خدای متعال، به دست می‌آید؛

*** ایمنی از شرور:** شامل شرور دنیا و آخرت، انسان، جنّ و شیاطین، درندگان و گزندگان، آتش، آب، غذاهای زیان بار، قحطی و بیماری می‌شود. جامع‌ترین سوره‌ای که این شرور را برشمرده است، سوره فلق است که یک مرتبه در این سوره (به صورت مطلق) به استعاذه از شرّ موجودات (الفلق: ۲)؛ اشاره شده است که شامل همه موجودات و مخلوقات می‌شود. در آیه بعد، پناه بردن از تاریکی است که بیشتر مفسران آن را در معنای فسق و فجور و اقدام حشرات و پرندگان به هنگام شب گرفته‌اند؛ زیرا تاریکی بستر مناسب برای انجام دادن شرّ می‌باشد، بنابراین شرور در شب، بیش از روز اتفاق می‌افتد. در ادامه از شرّ دمنندگان در گره‌ها (الفلق: ۴)، به پروردگار پناه برده می‌شود که از این آیه تأثیر سحر و جادواستفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۹۳/۲۰). در آیه پایانی هم از شرّ حسود، زمانی که حسد می‌ورزد به پروردگار پناه برده می‌شود. در سوره مبارکه ناس نیز به صراحت از شروری یاد می‌شود که انسان‌ها از طرف وسوسه‌گران جنّی و انسی با آنها درگیرند (مرادی، ۱۳۸۲: ۱۰۵/۳).

*** ایمنی از شیطان:** مهم‌ترین چیزی که باید از آن به خدا پناه برد، ابلیس معرفی شده است (آل عمران: ۳۶؛ النحل: ۹۸؛ المؤمنون: ۹۷؛ فصلت: ۳۷).

* **جلب رحمت الهی و پذیرفتن توبه:** ثمره پناه بردن به خدای تعالی که تنها ملجأ و پناهگاه انسان هاست جلب رحمت الهی و پذیرفتن توبه بیان شده است (التوبه: ۱۱۸).

* **حفظ عفت و رهایی از آلودگی:** در ماجرای حضرت یوسف (ع) (یوسف: ۲۳، ۲۴) و درخواست نامشروع زلیخا و ماجرای حضرت موسی (ع) (الدخان: ۲۰) و حضرت مریم (علیها السلام) (مریم: ۱۸) هم، پناه جستن به پروردگار برای حفظ عفت و رهایی و دوری از آلودگی ذکر شده است.

* **مصون ماندن از خطر متکبران و منکران قیامت:** در ماجرای تهدید فرعون به قتل حضرت موسی (ع) این پیامبر الهی از فرعون زمان خود و از هر متکبر بی ایمانی به روز حساب خدا، پناه برده است: «إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» (غافر: ۲۷) و آیه ای دیگر هم در این زمینه هست: «إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (غافر: ۵۶).

* **رهایی از جهل و نادانی:** حضرت نوح (ع) آن گاه که دریافت درخواستش مبنی بر نجات فرزند، مبتنی بر واقعیت نبود و در صورت پافشاری، از زمره جاهلان قرار می گیرد، چنین به خدا پناهنده می برد: «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ...» (هود: ۴۷) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۵۶/۱۰) و در ماجرای قوم بنی اسرائیل و ذبح آن گاو، حضرت موسی علیه السلام به خدای متعال پناه می برد از اینکه از جاهلان نباشد: «... قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (البقره: ۶۷).

* **فرار از ظلم و ستم:** در جریان آمدن بنیامین به مصر و نگهداشتن وی به بهانه آوردن پدر، حضرت یوسف (ع) فرمود: «مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ» (یوسف: ۷۹).

۵- استعاذه پیامبران و اولیاء الهی

پناه بردن به خدای متعال از شر شیطان، به فرد خاصی اختصاص ندارد و امری است که



شامل تمام افراد با هر مقامی و جایگاهی می‌شود؛ زیرا همه انسان‌ها، حتی پیامبران الهی و ائمه معصومین(ع) نیز در معرض اغوای دام‌های شیطان قرار دارند. هرچند می‌تواند انبیاء را از لحاظ جسمی، آسیب رساند و یا نتایج تبلیغ آنها را تخریب کند، ولیکن توانایی تعرض و مس نمودن به نفوس شریفشان را هرگز ندارد، زیرا عصمت آنان، مانع چنان تصرفی است (بیستونی، ۱۳۸۸: ۳۷۲/۷).

استعاذه‌های قرآنی پیامبران و اولیای الهی عبارت‌اند از:

حضرت نوح(ع): این پیامبر اولوالعزم از درخواست‌های جاهلانه مردم به خدای متعال پناه می‌برد و می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (هود: ۴۷) خدای متعال چه نیکو در استجابت وی، وعده سلامتی و برکت به ایشان می‌دهد که این وعده، از آثار و فواید پناه بردن ایشان به خدای تعالی است: «يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ...» (هود: ۴۸).

حضرت موسی(ع): در قرآن سه مورد استعاذه از ایشان بیان شده است که عبارت‌اند از طلب پناه حضرت در مقابله با فرعونیان و دوری از تهمت‌های آنان (الدخان: ۲۰) و به منظور دوری از رفتار جاهلانه بی‌خردان و در شمار آنان نبودن (البقره: ۶۷) و در قبال تهدید فرعون، مبنی بر قتل حضرت (غافر: ۲۷).

حضرت یوسف(ع): در ماجرای حضرت یوسف(ع) و همسر عزیز مصر نیز که اوضاع به نفع آن زن پیش می‌رفت، پناه بردن آن حضرت به ذات بی‌همتا، رخ می‌نماید: «... قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف: ۲۳) و در آیه بعد، فایده و ثمره این استعاذه اخلاص است که شیطان خود اعتراف کرده است به مخلصین راه ندارد. همچنین در پی تدبیر آن حضرت، مبنی بر نگه داشتن بنیامین در نزد خویش، نبی خدا، چنین به پروردگار، پناه می‌برد: «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ» (یوسف: ۷۹) با این جمله، پیشنهاد برادران را رد کرد و گفت: ما نمی‌توانیم به غیر از کسی که متاع‌مان را نزد او یافته‌ایم بازداشت کنیم و معنای آیه روشن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۸/۱۱).

حضرت ایوب(ع): آیه شریفه می‌فرماید: «وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ» (ص: ۴۱) دعایی از حضرت ایوب(ع) بود که طلب عافیت و رفع گرفتاری را از پروردگار خواستار شد و گویی با این کلام به خدا از شیطان پناه برد.

حضرت محمد(ص): بیشترین آیات قرآن در زمینه استعاذه خطاب به حضرت می‌باشد که عبارت‌اند از:

۱. هنگام قرائت قرآن: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (النحل: ۹۸).
۲. از شرّ مجادله‌کنندگان در آیات الهی: «الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِي صُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (غافر: ۵۶).
۳. از شرّ وسوسه‌های شیطان که شامل سه آیه است:
«...وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (الاعراف: ۲۰۰). در تفسیر المیزان در ارتباط با این آیه بیان شده است: «اگر شیطان خواست مداخله کند و با رفتار جاهلانه (آیه قبل) تو را به غضب و انتقام وادار کند، تو به خدا پناه ببر که او شنوا و داناست، درست است که این آیه خطاب به رسول خدا(ص) است، ولیکن منظور امت ایشان است، چون خود حضرت معصوم‌اند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۸۱/۸-۳۸۰).
- «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ» (المؤمنون: ۹۷ - ۹۸) در این آیه مشخصه «شُرک و تکذیب مشرکین» از همان همزات شیاطین، احاطه و حضور آنهاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۹۲/۱۵). برخی «همزه» را دفع گناهان از راه گمراه کردن معنا کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۱۶/۷). امام حسن عسگری(ع) فرمود: «همزه شیطان، آن وسوسه‌هایی است که به دل می‌اندازد» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۹۳/۲). صیغه جمع «همزات» دلالت بر تکرار وسوسه یا تنوع آن یا تعدد شیاطین وسوسه‌گر دارد (مرادی، ۱۳۸۲: ۱۰۲/۳).

«...وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (فصلت: ۳۶) خطاب در این آیه (که مشابهه سوره اعراف است) چنان‌که پیش از این اشاره شد، حضرت محمد(ص)



می‌باشد. ولی بهتر است به خاطر مقام ایشان، نازع (تحریک‌کننده) را خود شیطان بدانیم، چون وسوسه‌های شیطانی در ایشان راه ندارد. پس معنای آیه این است که هر وقت دیدی شیطان در تو وسوسه می‌کند، به خدا پناه ببر از شیطنت او که خدا شنوا و دانا به حال تو است یا شنوای سخنان تو و دانای به اعمال توست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵۹۶/۱۷).

۱. پناه جستن از شرّ آفریدگان، شب تاریک، افسونگران و حسادت حسودان در سوره فلق آمده است.

۲. پناه‌جویی به خدا از وسوسه‌های شیطان و از شرّ وسوسه‌گران جنّ و انس که در سوره ناس به آن اشاره شده است.

حضرت مریم (علیها السلام): حضرت مریم (علیها السلام) زمانی که جبرئیل به صورت یک بشر بر او وارد شد از ترس اینکه تصور می‌کرد او قصد سوء دارد، خود را به خدا سپرد تا مشمول رحمت الهی شود و قابل توجه است که این استعاذه مشروط به تقوا بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۱۴): «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مریم: ۱۸) وجوه معنایی آیه این است که؛ من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، اگر تو با تقوا باشی و چون باید با تقوا باشی، پس همان تقوا باید تو را از سوء قصد و تعرض به من باز دارد، که این با سیاق آیه سازگارتر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵۳/۱۶). برخی هم می‌گویند: «تو تقوا نداری چون پرده خانه مرا دریدی و بدون اجازه بر من در آمدی» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۰۸/۳). نقلی دیگر هم گفته‌اند که کلمه تقی نام مردی صالح یا فاجری است، که این معنا مستدل نیست (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۷۷/۱۶).

مادر حضرت مریم (علیها السلام): مادر مریم (علیها السلام) در پی نذر خویش، دخترش مریم را عابده و خادمه کلیسا قرار داد و ذریه خود را از شرّ شیطان رجیم به خدا پناه داد، این آن چیزی است که دقت در کلام خدا آن را به ما می‌فهماند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۷۱/۳): «... وَ إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَ إِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران: ۳۶) و گویی در آیه بعد پاسخ می‌گیرد و می‌فرماید: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أُنَبِّئُهَا نَبَأًا حَسَنًا...»؛

خداوند او را به طرز نیکویی پذیرفت، و به طرز شایسته‌ای او را رویاند...».

۶- جایگاه استعاذه در روایات

در اخبار اهل بیت علیهم السلام و کتب اخلاقی، عرفانی و ادعیه عنایت زیادی به موضوع استعاذه و ذکر اعوذ بالله من الشیطان الرجیم شده است مانند:

- گناهان (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۲۶۹؛ قمی، ۱۳۸۶: ۵۰) و وسوسه‌های شیطانی (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۰۴/۶۰؛ صحیفه سجاده، ۱۳۷۹: دعای هفدهم)

- رذایل اخلاقی؛ خشم (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۱۱/۲۴)، بخل و بزدلی، حسد، غصب، حرص و خوار کردن نیازمند (صحیفه سجاده، ۱۳۷۹: دعا هشتم؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۹/۷۳) و موارد فراوان دیگری که در قالب «دعا» از زبان سید الساجدین (ع) بیان شده است.

- آفت‌های جسمانی؛ گزند حیوانات مودی (عاملی، ۱۳۸۸: ۲۶۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۱/۳۹۶ و ۴۳۸؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۸/۲۲۵)، بیماری (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۴/۹۲).

- تنش‌های روحی و روانی؛ غم، حزن و اندوه (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۶۱/۲)، کسالت و اضطراب (صحیفه سجاده، ۱۳۷۹: دعا ۸).

- نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی؛ فقر و گرسنگی (سید رضی، ۱۳۸۳: خطبه ۲۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۲/۶۹)، دین و قرض (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۱۵/۱۸)، حب مال (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۳/۱).

- انحراف اعتقادی در دین؛ کفر و گمراهی (سید رضی، ۱۳۸۳: خطبه ۲۱۵) و غلبه دشمنان بر اثر هرج و مرج و شراب‌خواری (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۳/۱).

- از نفسی که سیر نمی‌شود و قلبی که خاشع نمی‌شود و علمی که سود ندارد و دعایی که شنیده نمی‌شود که این دعا از تعقیبات نماز عصر می‌باشد (قمی، ۱۳۸۶: ۳۷).

- از فتنه‌ها به خصوص فتنه دجال در آخر الزمان (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۱/۶۱).



- از شر زنان (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۱۶/۵ و ۵۱۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۷۸/۲۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۳۱) و حبّ همسر (زن) (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۳/۱؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۷۸۹/۲ و ۳۵۰/۲).
- تنهاماندن با نامحرم (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳ق: ۱۱۳/۱؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۷۸۹/۲ و ۳۵۰/۲).
- ازدواج نکردن دختران و در خانه ماندن آنان (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: ۱۸۱/۳؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۵۱۶/۵).
- از شر ابلیس به‌ویژه در هنگام طلوع و غروب خورشید که ساعات غفلت است (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۲۲/۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۴۹۶/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۵۷/۶۰).
- از سختی سفر و اندوه بازگشت (سید رضی، ۱۳۸۳: خطبه ۶۹/۴۶).
- از شرّ دنیا و آخرت (امین، ۱۳۸۸: ۱۸۶).
- عذاب قبر (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۲۶/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۱/۶۱).
- جهنم (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۸/۶) و آتش آن (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۴/۸۳؛ ابن طاووس، ۱۳۶۷: ۲۴۱).
- در قضاوت میان دو نفر (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۱۸/۱۱).
- و قابل توجّه است که موارد جزئی فراوان دیگری هم هست که از بحث خارج است. با توجّه به مجموع روایات در باب استعاذه، ائمه معصومین (ع) زمان‌ها و مکان‌هایی را برای پناه جستن به خداوند لحاظ کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۶-۱- زمان‌های پناه بردن

- یکی از مهم‌ترین مسائلی که روایات بر آن تأکید دارد و می‌بایست هنگام استعاذه، بدان توجّه کرد تا به سر منزل مقصود رسید، توجّه به زمان است که اهمّ آن عبارت‌اند از:
- **شروع هر کار، مخصوصاً عبادات:** از آنجا که هر لحظه، امکان انحراف برای آدمی وجود دارد، انسان باید خود را در حصن امن الهی قرار دهد. خداوند به خواست و ندای استعاذه‌کنندگان توجّه دارد و در همه امور مطلوب نظیر واجبات، محرمات، مستحبات و امور مباح ... باید به خدا پناه برد. مراد از استعاذه در این مقام، استعاذه لفظی است

نه معنوی و بیانگر التجاء به خدای متعال از شیاطین است که در کتب فقهی در ابواب طهارت، صلاه، حج و نکاح به آنها اشاره شده است. همچنین استعاذه در جمیع امور مستحب، وارد شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴: ۲/۴۳۳). در بسیاری از موارد، استعاذه و مشتقات آن از قبیل «نعوذ بالله» یا «العیاذ بالله» و یا در قالب تکیه کلام (پناه بر خدا) به کار می‌برند (اظهری، ۱۳۶۷: ۲۲۸-۲۲۹). در روایتی از عبدالله بن مسعود درباره نزول اولین آیه نقل شده است که جبرئیل به حضرت رسول (ص) فرمود بگو: «یا مُحَمَّد استَعِذْ بِالسَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴: ۲/۲۶۵).

- **آغاز تلاوت قرآن:** پیش از قرائت قرآن، گفتن استعاذه، عملی مستحب است نه واجب؛ اما امر به استعاذه مانند امر به شستن دست و گفتن بسم الله قبل از صرف غذا، مؤکد است. اگر استعاذه واجب بود، باید در نماز واجب می‌شد، چنان‌که، قرائت حمد و سوره واجب است، ولی اجماع بر عدم وجوب آن است و همان‌طور که گفته‌اند: «هیچ کس جز «ابن جنید» با استحباب استعاذه، مخالفت نکرده است و فقها نظریه او را شاذ و غریب دانسته‌اند (مغنیه، ۱۳۸۳: ۱/۹۷). دانشمندان اسلامی هنگام تلاوت قرآن در نماز و غیر نماز، استعاذه را مستحب می‌دانند، زیرا با آن که در ظاهر، امر به استعاذه در آیه مذکور است، دلالت بر وجوب این امر می‌کند، ضمن آن که احادیثی هم در دست است که نشان از جواز ترک استعاذه دارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۵/۸۲). برخی از فقها و قاریان، با استناد به این آیه، استعاذه را بعد از قرائت قرآن، روا دانسته‌اند (رازی، ۱۴۲۰ق: ۱/۲۲) که در جمع میان دو دیدگاه، وی استعاذه را در ابتدا و پایان تلاوت، مستحب شمرده است (جصاص، ۱۴۰۵ق: ۵/۱۲). قاریان قرآن نیز، پس از استعاذه، وقف می‌کنند که در اصطلاح تجویدیان، این وقف، تام است (بادکوبه هزاوه، ۱۳۷۷: ۸/۱۹۶-۱۹۷). مخاطب این قبیل خطاب‌ها، نه پیامبر، بلکه جمیع مکلفان است که چون اراده قرائت کنند، لازم است به خدا پناه جویند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۷/۴۶۴؛ رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۰/۲۶۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۵۹۳).



بر مبنای کلام خدا (النحل: ۹۸) و سنت رسول خدا (ص) استعاذه در هنگام تلاوت از آداب مسلمانان است و این امر، برگرفته از آموزه‌های قرآنی است کما اینکه این عبارت برگرفته از قرآن است اما جزو آیات قرآن نیست (قرطبی: ۸۶/۱). منظور از استعاذه در آیه «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» حال، قلب و نفس قرآن خوان است چنین فردی موظف است، مادامی که مشغول تلاوت است، این حقیقت را در دل خود بیابد، نه اینکه فقط به زبان بگوید. استعاذه زبانی، مقدمه‌ای برای ایجاد حالت نفسانی است.

از امام باقر (ع) مروی است که «بسمله» از استعاذه کفایت می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۱۳/۳). و از امام صادق (ع) درباره تعوذ از شیطان قبل از شروع همه سوره‌ها، سؤال شد، حضرت فرمودند: آری باید از شیطان رانده شده به خدا پناه برد و درباره خواندن یا شنیدن آیات عذاب هم، استعاذه سفارش شده است (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۷۷/۴)؛ و برای قرائت سوره مبارکه توبه، گفتن استعاذه تأکید شده است زیرا مشتمل بر برائت از مشرکین است (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۰۲/۱-۲۰۳).

این نکته نیز درخور توجه است که هنگام تلاوت قاری باید حالت استعاذه داشته باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۹۳/۶) و گفتن الفاظی خاص، سبب ایجاد این حالت در نفس قاری می‌شود، نه اینکه خود آن، استعاذه باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۴۴-۳۴۵). قراء اخفاء (آهسته) در استعاذه را در چهار مورد نیکو دانسته‌اند: در حضور جمع می‌خواند، در تنهایی قرآن می‌خواند، در نماز چه جهریه (صبح، مغرب و عشاء) و چه اخفاتیه (ظهر و عصر) و استعاذه هنگام درس و قرائت آیه‌ای از قرآن به عنوان شاهد مثال (معینی، ۱۳۷۷: ۷۵/۱). اگر قاری در بین قرائت، مجبور به مکث اندک شود، لازم نیست درباره استعاذه بگوید؛ ولی اگر برای انجام کاری، قرائت را ترک کند و دوباره بخواهد آن را بخواند، مستحب است استعاذه بگوید. برای قرائت در محافل، رسم چنین است اگر قاریان از ابتدای سوره‌ای، قرائت را آغاز می‌کنند، قبل از «بسم‌الله» استعاذه بگویند و چنانچه از بین سوره، شروع می‌کنند پس از گفتن استعاذه برای گفتن «بسم‌الله» مخیرند که بگویند یا

نگویند.

برخی نیز گویند: همه قراء اتفاق نظر دارند که قبل از بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «استعاذه» گفته شود، اما اختلاف آنان در خصوصیات کلمات آن می باشد که بدین قرار است: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» به گفته ابن کثیر و عاصم و ابو عمرو، «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» بنا به نقل نافع و ابن عامر و کسایی و «نَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» به نقل از حمزه (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۹/۱). اما صحیح ترین نوع استعاذه که «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» است که از قرآن اقتباس شده و طریقه های دیگری نیز وارد شده است مثل «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (معینی، ۱۳۷۷: ۲۰۲/۱). از رسول اکرم (ص) روایت شده است که به ابن مسعود فرمود: «بگو: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»، چرا که من از جبرئیل و او از میکائیل و او هم از لوح محفوظ این چنین یاد گرفته است». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۵۵/۳؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۸۰/۷؛ استرآبادی، ۲۰۷/۱؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق: ۲۸۳).

- **نماز:** نمازگزار با گفتن اعوذ بالله اذعان به عجز و ناتوانی خود و اعتراف به قدرت قاهر خالق می کند و این امر، دلالت بر این نکته می کند که برای تقرب به خدا، راهی جز اظهار عجز و انکسار نیست. پس باید قبل از شروع نماز و قرائت حمد با گفتن اعوذ بالله، که آن سنت پیامبر اکرم (ص) بوده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۵/۶) و متحقق شدن به حقیقت قلب، زبان را پاک کرد تا خود را برای تجلّی حقیقی آماده کرد که طبق کلام وحی (العنکبوت: ۴۵) نماز بازدارنده از کارهای زشت و ناپسند است (انصاریان، ۱۳۸۶: ۳۱۸/۵ - ۳۱۹). از آداب مهمّ قرائت، به ویژه قرائت در نماز که سفر روحانی الی الله و معراج حقیقی و میقات وصول اهل الله است، استعاذه از شیطان رجیم است که خار طریق معرفت و مانع سیر و سلوک الی الله است. پس در نماز که صراط مستقیم انسانیت و معراج وصول الی الله است، بی استعاذه نباید بود و بدون پناه بردن به حصن الهی از شرّ او، ایمنی حاصل نشود (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ۱۳۳). فقهاء، استعاذه را در رکعت اول نماز،



قبل از خواندن حمد، مستحب دانسته‌اند که این قول مشهور است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴: ۴۳۳/۲). از امام صادق (ع) است: «... بَعْدَ تَكْبِيرَةِ الْإِحْرَامِ ثُمَّ قَالَ ثُمَّ تَعَوُّذٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ثُمَّ اقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۴/۶) «بعد (گفتن) تکبیرة الاحرام گفت از شیطان رجیم به خدا پناه ببر و بعد سوره حمد را بخوان...» و مردی از انصار هم از زیاده و نقصان نمازش به حضرت شکایت داشت، حضرت فرمود قبل از نماز بخوان: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۱۴/۴) در فقه الرضا (ع) هم نقل شده است که اول نماز بگو: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۱۳/۴).

عموم فقهاء استعاذه را در نماز را مستحب دانسته‌اند جز پیشوای سلکیان که آن را تنها در نماز نافله جایز شمرده است. پیروان مکتب ظاهری، قائل به وجوب استعاذه در نمازند و از فقهای امامیه، تنها ابوعلی، فرزند شیخ طوسی به وجوب آن رأی داده است. درباره بلند یا آرام خواندن استعاذه از حنان بن سدیر نقل شده است که پشت سر امام صادق (ع) نماز می‌خواندم، حضرت با جهر (بلند) تعوذ کرد، سپس - بسم الله الرحمن الرحيم - را هم بلند فرمود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۵/۶) یا در نقلی دیگر آمده است که حضرت این تعوذ را بلند خواند: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۶/۶) و قول دیگر ذکر استعاذه در رکعت اول، قبل از قرائت به اخفات می‌باشد و در صورت فراموشی در رکعت اول، اعاده لازم نیست. آهسته گفتن استعاذه در تمام نمازها قول مشهور، استحباب است (بادکوبه هزاوه، ۱۳۷۷: ۱۹۷/۸). «مقداد سیوری» گفتن استعاذه را ولو در نمازهای جهریه، مستحب می‌داند (معینی، ۱۳۷۷: ۷۵/۱).

- **وضو گرفتن:** شیطان با بازیچه ساختن وضو و با وسوسه‌هایی که می‌کند، عبادات را بی‌مغز می‌کند. پس در امور عبادی استعاذه لازم است تا باعث بهره‌بردن از عبادات شود. عبدالله بن سنان نقل می‌کند که روزی نزد امام صادق (ع) از مردی که در وضو و نماز وسواس داشت، یاد کردم و گفتم: او مرد عاقلی است. امام فرمود: او چه عاقلی است که

مطیع شیطان است. گفتم: چگونه پیروی شیطان می‌کند؟ فرمود: از او سؤال کن که این وسوسه از چه و از کجا برای او به وجود آمده است؟ خواهد گفت: از کار و عمل شیطان (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۲/۱).

- **انجام عمل صالح:** کسی که می‌خواهد عمل خیری انجام دهد، شیطان دام خود را می‌گستراند و وسوسه می‌کند، بنابراین تورهایش را در هر کار نیک، مثل؛ صدقه دادن، انفاق، ادای نذر و عهد، کمک به یتیم و مانند آن، پهن می‌کند پس باید مراقب بود که مبادا پای خود را در این دام‌ها بگذاریم. از دیگر دام‌های شیطان، عجله و شتابزدگی است. اما در انجام کارهای نیک عجله کردن، پسندیده است، امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که تصمیم به کار خیری گرفت، باید عجله کند و به تأخیر نیندازد، زیرا کاری که به تأخیر می‌افتد شیطان برای ترک آن تلاش می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۴۳/۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۳/۱). مطابق آیات قرآن، شیطان امر به فحشا و منکر (النور: ۲۱؛ البقره: ۱۶۸، ۲۰۸؛ الانعام: ۱۴۲)، وسوسه در دل‌ها (الناس: ۵، ۶؛ طه: ۱۲۰)، امر به منکر و نهی از معروف (التوبه: ۶۷)، تسویف (النساء: ۱۲۰) و تسویل (محمد: ۲۵؛ الانفال: ۴۸؛ الانعام: ۴۳؛ الحجر: ۳۹) می‌کند. از رسول اکرم (ص) نقل شده است که انسان با انجام عمل صالح، پشت شیطان را می‌شکند و با مواظبت بر انجام اعمال صالح، شیطان را از خودش دور می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۲/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۱۴/۹۳)؛ و نیز فرمود: «شیطان محکم‌ترین و نیرومندترین یاران خود را برای گمراهی کسی می‌فرستد که با دارایی خود کار نیک انجام می‌دهد» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۶۹/۱). پس در انجام عمل صالح باید مراقب بود تا گرفتار هیچ یک از این غفلت‌ها نشد.

- **هنگام خشم و غضب:** از کمین‌ها و دام‌های خطرناک شیطان خشم است که انسان با از دست دادن کنترل خود، به هر بدی و شری دعوت می‌شود. امام باقر (ع) فرمود: «إِنَّ هَذَا الْغَضَبَ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۶۷/۷۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۶۰/۱۵) غضب آتشی است که شیطان می‌افروزد». روایات فراوانی وجود دارد که سفارش به دوری از



خشم و درمان آن می‌کند، زیرا خشم زمینه‌ساز دشنام، تهمت، غیبت، دروغ، توهین، تحقیر و جرح و دیگر گناهان است. امام علی(ع) به حارث همدانی می‌فرماید: «از خشم دوری کن زیرا که خشم یکی از سپاهیان ابلیس است» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۱/۱۲). درباره حکام هم که در معرض خشم و غضب‌اند گفته شده که در هنگام مراجعات چاره‌ای جز استعاذه وجود ندارد (دستغیب: بی‌تا: ۹).

- **لباس پوشیدن:** در ادعیه آمده است: «اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ... لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذَلِكَ نَصِيْبًا» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۳/۳۱۳؛ عاملی، ۱۳۸۸: ۱۶۷)؛ خدایا بپوشان بدنم را ... و برای شیطان بهره‌ای در آن قرار مده.

- **خوردن و آشامیدن:** در ادعیه آمده است: «اللَّهُمَّ أَسْعِدْنِي فِي مَطْعَمِي هَذَا بِخَيْرِهِ وَأَعِدْنِي مِنْ شَرِّهِ وَأَنْفَعْنِي بِتَفْعِهِ وَسَلِّمْنِي مِنْ ضَرِّهِ» (عاملی، ۱۳۸۸: ۱۵۵؛ ابن طاووس، ۱۳۶۷: ۶۰)؛ خداوند، خیر این غذا را نصیبم کن و از شر آن پناهم ده و مرا از نفعش بهره‌مند کن و از ضرر آن مرا سلامت دار.

- **خواب و بیداری:** «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... وَأَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: ۱/۴۷۱)؛ ... خدایا، از این که شیطان مرا در خواب و بیداری بازیچه قرار دهد به تو پناه می‌برم» امام صادق(ع) هم در این باره می‌فرماید: «هنگامی که بر پهلوئی راست خوابیدی این دعا را بخوان: «... لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ» (عاملی، ۱۳۸۸: ۲۵۷)؛ ... تو تنها پناهگاهی و من جز پناهی تو ندارم» و در جایی دیگر است که وقتی به رختخواب رفتی بگو: «أَعُوذُ بِجَبْرُوتِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِمَلَكُوتِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِدِفْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲/۴۲؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۵۳۷).

- **خلوت با زنان بیگانه:** تنها شدن با زن نامحرم، به قدری خطرناک است که گفته شده شیطان به عنوان نفر سوّم در آنجا حاضر می‌شود و آنقدر جلوه و وسوسه می‌کند تا هلاک کند (دستغیب، بی‌تا: ۹۹). امام باقر(ع) در حکایتی از زبان ابلیس نقل می‌کنند که

گفت: من در سه جا با بندگان نزدیک‌ترین فاصله را دارم که آن هنگام مرا یاد کنید: ... سوم، جایی است که با زن بیگانه تنها بودید و هیچ‌کس آنجا نباشد (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۶۵/۱۴).

وقت آمیزش: رسول اکرم (ص) در این باب روایت مفصلی دارد که درباره این موضوع به امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: «يَا عَلِيُّ إِذَا جَامَعْتَ أَهْلَكَ فَقُلْ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مِمَّا رَزَقْتَنِي فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنُكُمَا وَلَدٌ لَمْ يَضُرَّهُ الشَّيْطَانُ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۳۰/۱۴)؛ یا علی هرگاه نزد همسرت رفتی، بگو: خدایا شیطان را از ما دور کن و از آنچه که روزیم کردی، پس اگر فرزندی برای شما مقرر شده باشد شیطان به او ضرری نمی‌رساند» امام باقر (ع) نیز فرمود هرگاه بر اهلت داخل شدی این دعا را بخوان: «... لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاً وَ لَانَصِيأً» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: ۴۰۲/۳).

- مکان‌های پناه بردن

در شریف‌ترین مکان‌ها و در پست‌ترین مکان‌ها باید از شیطان به خدای تعالی پناه برد. برای ورود و خروج از خانه نیز روایات و دعا‌های ویژه‌ای وارد شده است. چنان‌که در قرآن کریم آمده است: «...إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ...» (الاعراف: ۲۷)؛ ... چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید ... از مهم‌ترین مکان‌ها عبارت است از:

- **مسجد:** این دشمن سرسخت در مسجد هم انسان را رها نمی‌کند. از سفارشات نبی گرامی اسلام آن است که هنگام ورود به مسجد با پای راست وارد شوید و بگویید: «بِسْمِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۳۹۲/۳). امیرالمؤمنین علی (ع) هم فرمود: «إِذَا دَخَلَ الْعَبْدُ الْمَسْجِدَ وَقَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ قَالَ الشَّيْطَانُ كُسِرَ ظَهْرِي» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۶/۸۱)؛ هرگاه بنده‌ای وارد مسجد شود بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و شیطان گوید، که وی کمرم را شکست.

- **ورود و خروج از خانه:** هنگام ورود و خروج از خانه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» کفایت



از استعاذه می‌کند. در روایات، گفتن «بسم الله» شیطان را فراری می‌دهد و در حقیقت «بسم الله» همان پناه‌جستن و طلب یاری از خداست. از دعاهای مشهور در هنگام خروج از منزل: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اَمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لاَ حَوْلَ وَ لاَ قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۴۳/۲) است. در هنگام ورود به شهر یا منزل بگو: «...أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهِ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۴۵/۱۱)؛ ... (خدایا) از شر این شهر و آنچه در آن است به تو پناه می‌برم ...

- حمام: هنگام داخل شدن به حمام بگو: «...إِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الْأَوَّلَ، فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي...» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: ۱۱۲/۱)؛ ... وقتی در خانه اول حمام داخل شدی، بگو: پروردگارا از خویش، به تو پناه می‌برم ...».

- مستراح: امام صادق (ع) درباره آداب رفتن به مستراح فرمود: «تَذَكَّرُ اللَّهَ وَ تَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (طباطبائی، ۱۳۸۲، ۱۸۹)؛ خدا را یاد می‌کنی و از شیطان رانده شده پناه می‌بری ...؛ و در روایتی دیگر ایشان فرمود: وقتی داخل مستراح شدی بگو «إِذَا دَخَلْتَ الْمَخْرَجَ، فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِتِ، الرَّجْسِ النَّجِسِ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۶۷/۳).

- بازار: رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «هِيَ مِیدَانُ إِبْلِيسَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۴۶۸/۱۷)؛ بازار، میدان ابلیس است. پس باید در بازار به خدا پناه برد تا دچار وسوسه نشویم. برای آداب ورود به بازار ادعیه‌های فراوان ذکر شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُبْغِيَ أَوْ يُبْغِيَ عَلَيَّ أَوْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أُعْتَدِيَ أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ...» (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: ۲۰۰/۳)؛ خدایا به تو پناه می‌برم از اینکه ستم کنم و بر من ستم شود و اینکه ظلم کنم و بر من ظلم شود و تجاوز کنم و بر من تعدی شود و به خدا از ابلیس و سپاهش پناه می‌برم امام باقر (ع) می‌فرماید: «...أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا وَ شَرِّ أَهْلِهَا» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۵۶/۵)؛...خدایا به تو پناه می‌برم از شر (بازار) و آنچه در آن است و از شر اهل در آن.

۷- اهداف استعاذه

برای این فرمان الهی در متون اسلامی اهدافی ذکر شده است که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۷-۱- بهره‌بردن از عبادات: از مواضع مهم استعاذه، هنگام شروع به انجام عبادات است. شیطان و یارانش همیشه و در همه جا در کمین انسان‌ها هستند تا خیری از انسان سر نزنند و اگر شیطان و اعوانش موفق نشدند، سعی می‌کنند که کار خیر به نتیجه نرسد یعنی عبادات را بی‌مغز کرده و با وسوسه‌هایی که پیش می‌آورند آن را تباه کرده تا بهره‌ای از آن برده نشود. در امور مباح مانند؛ خوردن و لباس پوشیدن و ... هم سفارش به استعاذه شده است. پس در شروع هر کاری، به‌ویژه اعمال عبادی برای اینکه بهره کافی از عبادات برده شود، باید از شرّ شیطان به خداوند پناه برد (دستغیب، بی‌تا: ۶ - ۷).

بستن راه‌های گناه و فرار از آن: استعاذه به خدای متعال همان فرار کردن از گناه است. وقتی می‌گوییم: «أَعُوذُ بِاللَّهِ» یعنی «أَعُوذُ بِطَاعَةِ اللَّهِ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ»؛ خدایا! من، دیگر می‌خواهم به طاعت تو پناه آورم و از بندگی شیطان و از دام او که گناه است بگریزم (دستغیب، بی‌تا: استعاذه، ۲۵). امام صادق (ع) فرمود: «أَغْلِقُوا أَبْوَابَ الْمُعْصِيَةِ بِالْإِسْتِعَاذَةِ وَافْتَحُوا أَبْوَابَ الطَّاعَةِ بِالتَّسْمِيَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۱۶/۸۹؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۳۰۴/۵)؛ درهای گناه و معصیت را با «استعاذه» ببندید و ابواب ثواب و طاعت را با کلید «بسم الله» باز کنید.

دشمنی با شیطان و نجات از سلطه او: شیطان دشمن آدمی، و خالق رحمان، دوست بندگان است. آدمی تلاش می‌کند که رضای دوست خود را کسب کند تا او را از شرّ گمراهی آن دشمن خلاص سازد (اظه‌ری، ۱۳۶۷: ۲۴۳ و ۲۴۴). باید متوجّه بود که شیطان، می‌کوشد تا قلب انسان را از خدا منحرف سازد، پس منظور از استعاذه آن است که انسان به کلی از آنچه مورد علاقه و محبت شیطان است دور شده و به آنچه محبوب خداست، کاملاً روی آورد (داورپناه، ۱۳۷۵: ۳۴/۱). درباره دشمنی شیطان در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (فاطر: ۶). امیرالمؤمنین (ع) نیز می‌فرماید: «حَذَرُهُ إِبْلِيسَ وَ عَدَاوَتَهُ» (سیدرضی، ۱۳۸۳: خطبه ۱)؛ خداوند او را از ابلیس و عداوت او بر حذر داشت.



گویی هم حرز از دشمن است و هم دوستی و و تقرب به خدای رحمان است. بنابراین با این کلمه هم دشمن را از خود دور می‌کند و هم خود را متخلق به اخلاق الهیه می‌کند و به وسیله تنفر از دشمن، تقرب به دوست حاصل می‌شود (اظه‌ری، ۱۳۶۷: ۲۳۰). حال اگر کسی استعاذه بگوید ولی حالت او بیرون آمدن از حکومت شیطان و داخل شدن در تحت حکومت خداوند نباشد دروغگو است و این کلمه از سوی شیطان بر وی القا و بر زبان وی جاری شده است (گنابادی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۴-۲۳۵). یعنی استعاذه فقط زبانی بوده است، نه قلبی.

عروج و نزدیکی به خدا: گفتن «اعوذ بالله»، عروج است از خلق به خالق و از ممکن به واجب و طریق شناخت این نکته، آن است که احتیاج مخلوق، دلیل است بر وجود حق. پس اعوذ، دال است به این احتیاج تامّ که اگر نبود، استعاذه بی‌فایده بود و الله اشاره به معنای تامّ حقّ است (سیاراطراش، ۱۳۷۱: ۱۶۵). انسان اگر تمام افعال را از خدا و ضلالت را از خود بدانند، از عقاب پروردگار به او پناهنده می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ۸۳ - ۸۴؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۷-۲۳۸). چنان‌که رسول خدا(ص) چنین فرمود: «أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عَفْوَتِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نَقْمَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۴/۱۷؛ ابن‌طاووس، ۱۳۶۷: ۷۰۲)؛ خدایا! از عقابت به گذشتت و از عذابت به رحمتت و از ناخشنودیت به خشنودیت و از خودت به خودت پناه می‌برم.

۲-۷- اعتراف به عجز نفس: گفتن «اعوذ»، اعتراف است به عجز نفس خود و این مطلب، دلیل است بر آن که قرب الهی را جز تواضع و فروتنی وسیله‌ای نیست و رسول اکرم (ص) فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (احسائی، ۱۴۰۵ق: ۴/۱۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲/۳۲)؛ هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را شناخته است. پس هر که خود را به ضعف و قصور شناخت؛ پروردگار خود را قادر بر هر مقدور می‌شناسد و هر که خود را به جهل شناخت؛ پروردگار خود را به فضل و عدل می‌شناسد.

۸- نتیجه گیری

۸-۱- استعاده تعبیری قرآنی است، به معنای پناه‌بردن به قدرت برتر برای دفع شرّ است که جز خداوند نیست هیچ قدرتی ملجأ و پناهگاه انسان نیست؛ استعاده گریز از تصرفات شیطانی و دعا و درخواست از درگاه خدای متعال است که در قالب الفاظ مختلفی چون عوذ، لوذ، لجأ و غوث و ... استعمال شده است که در همه این الفاظ معنای پناه‌بردن به پروردگار متعال، ملحوظ است.

۸-۲- استعاده زبانی و قلبی از اقسام استعاده است که طبق آیات شریفه قرآن کریم، استعاده زبانی به تنهایی فایده ندارد و آنچه مؤثر است به‌واقع، استعاده قلبی است.

۸-۳- طبق آیات وحی، تنها ملجأ و پناهگاه، خدای متعال است که در کلام خدا، با صفت ربوبیت و رحمانیت مذکور است و این ویژگی‌ها هم برگرفته از استعاده پیامبران و اولیاء در قرآن کریم است.

۸-۴- از میان استعاده‌های قرآنی فوایدی استنباط می‌شود که عبارت‌اند از: ایمنی از شرور، ایمنی از شیطان، جلب رحمت الهی و پذیرفتن توبه، حفظ عفت و رهایی از آلودگی، مصون ماندن از خطرات متکبران و منکران قیامت، ایمنی از شر جهل و نادانی و از ظلم و ستم.

۸-۵- پنج تن از پیامبران الهی (علیهم‌السلام) و حضرت مریم (علیها‌السلام) و مادر ایشان در زمره کسانی هستند که در قرآن کریم به عنوان الگوهای قرآنی معرفی شده است.

۸-۶- بهره‌بردن از عبادات، بستن راه‌های گناه و فرار از آن، دشمنی با شیطان و نجات از تسلط او، عروج و نزدیکی به خدا و اعتراف به عجز نفس از اهداف استعاده به‌شمار می‌آید.

منابع

- قرآن کریم.

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۴). فرهنگ معاصر عربی به فارسی، تهران: نشر نی.



- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، علی عبد الباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۶۴ق). النهایه فی غریب الحدیث و الاثیر، قم: اسماعیلیان.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، علل الشرایع، قم: مکتبه الداوری، بی تا.
- _____ (۱۳۸۳). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمدرضا انصاری محلاتی، قم: نسیم کوثر.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لا یحضر الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۸). عیون الاخبار الرضا علیه السلام، بی جا، جهان.
- _____ (۱۴۰۳ق). الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن طاووس، رضی الدین (۱۳۶۷). إقبال الاعمال، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۰۹ق). الامان، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- ابن کثیر دمشقی، اسمعیل (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: انتشارات دار صادر.
- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق). عوالی الثالی، قم: سیدالشهداء.
- استر آبادی، محمد بن علی، آیات الاحکام، تهران: مکتبه المعراجی، بی تا.
- اظهري، محمدرضا (۱۳۶۷). حقیقت استعاذه، مجله مشکوة، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، شماره ۲۱.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۶). عرفان اسلامی «شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه»، قم: دارالعرفان.
- امین، مهدی (۱۳۸۸). تفسیر علامه (جن و شیطان)، محمد بیستونی، تهران: مفتاح دانش و بیان جوان.
- انیس، ابراهیم (۱۳۸۴). فرهنگ المعجم الوسیط، محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات

اسلامی.

- بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۷۷). مدخل استعاذه، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- بیستونی، محمد (۱۳۸۸). لغت شناسی و مفاهیم قرآن کریم، تهران: انتشارات بیان جوان.

- پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه، بی جا، انتشارات جاویدان.

- جرّ، خلیل (۱۳۸۲). فرهنگ لاروس (ترجمه المعجم العربی الحديث)، حمید طبیبان، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسایل الشیعه، قم: موسسه آل البيت.

- حسینی شاه عبد العظیمی، حسین (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.

- داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵). انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدر.

- دستغیب، عبدالحسین، استعاذه، تهران: انتشارات صبا، بی تا.

- _____ (۱۳۸۳). گناهان کبیره، قم: انتشارات اسلامی.

- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق

صفوان عدنان داوودی، دمشق: دارالعلم و دار الشّامیه.

- سبزواری نجفی، محمد (۱۴۱۹ق). ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعاریف

للمطبوعات.

- سیار اطراش لنگرودی، منیژه (۱۳۷۱). هدایت و ضلالت در قرآن، کلام و فلسفه،

تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

- سیدرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۳). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات

مسجد جمکران.

- شرقاوی، حسن محمد (۱۳۶۳). گامی فرانسوی روان شناسی اسلامی، محمدباقر حجتی،



بی جا، نشر فرهنگ اسلامی.

- صحیفه سجادیه، محسن غروی‌ان و عبدالجواد ابراهیمی (۱۳۷۹). قم: نشر الهادی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۲). سنن النبی، ترجمه حسین استادولی، تهران: پیام آزادی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
- _____ (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- _____ (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، احمد بهشتی و مترجمان، تهران: انتشارات فراہانی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ق). مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: نشر مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). التہذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
- عاملی (شیخ بہائی)، بہاء الدین محمد (۱۳۸۸). مفتاح الفلاح، عبدالحسین حاجی ابوالحسنی، تهران: فراہانی.
- فراہیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). العین، قم: انتشارات ہجرت.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران: الصدر.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
- قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، بہ کوشش احمد عبدالعلیم بردونی، بیروت: بی تا.
- قمی، عباس (۱۳۸۶). مفاتیح الجنان، آیت اللہ کمرہ‌ای، تهران: انتشارات نبوی.
- قمی، علی بن ابراہیم (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی، قم: دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیہ.
- _____، الکافی، ترجمہ جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اہل بیت، بی تا.

- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ ق). تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: ناشر مؤسسة الاعلمی مطبوعات.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- مرادی، محمد (۱۳۸۲). مدخل استعاذه، دایره المعارف قرآن کریم، قم: تهیه و تدوین مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- معینی، محسن (۱۳۷۷). مدخل های استعاذه، آیه استعاذه و تعویذ، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به سرپرستی بهاء الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات دوستان و ناهید.
- مغنیه، محمد جواد (۱۳۸۳). تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، قم: ناشر بوستان کتاب.
- مقرئ الفیومی، ابو حامد احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). المصباح المنیر فی شرح الکبیر المرافعی، قم: انتشارات دارالهجره.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۹). سر الصلاة «معراج السالکین و صلوة العارفين»، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
- _____، پرواز در ملکوت، سید احمد فهری، قم: دارالکتاب، بی تا.
- مهیار، رضا (۱۳۷۰). فرهنگ ابجدی (ترجمه المنجدی الابدی)، تهران: انتشارات اسلامی.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۴). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی.